

البعثة الاسلاميه الى البلاد الافرنجيه

اینک سه نامه از خبرنگار مجله «المنجلا» که همراه کاروان "بعثة الاسلاميه" بوده و گزارش روزانه آن را می نوشته به دست آمد که از عربی ترجمه می شود:

کاروان اسلام

"در روز میمون فرخنده فال ۲۵ شوال سال ۱۳۴۶ هجری قمری در شهر سامره از بلاد مبارکه عربستان، دعوت مهمی از نمایندگان ملل اسلامی به عمل آمده بود که راجع به اعزام یک دسته مبلغ برای نشر دین حنیف اسلام در دنیا مشورت بنمایند. آقای تاج المتکلمین سمت ریاست، آقای عندلیب الاسلام نایب رئیس، آقای سکان الشریعه عضو مشاور و محاسب و آقای سنت الاقطاب سمت تندنویسی این جمعیت را عهده دار بودند. علاوه بر عده ی زیادی از فحول علماء و قاندین مبارز اسلام، نمایندگان محترم عدن، حبشه، سودان، زنگبار، و مقسط نیز درین محفل شرکت کرده بودند و این عبد حقیر سراپا تقصیر: الجرجیس یافت بن اسحق الیسوعی نیز به سمت مخبر و مترجم

مجله مبارکه «المنجلاب» در آن جا حضور به هم رسانیده و مأمور بودم که قدم به قدم وقایع این قافله مهم را به نگارم تا در آن مجله شریفه درج و کافه مسلمین از اعمال و افعال آقایان مبلغین دین مبین و جنبش اسلامی مطلع و باخبر باشند.

آقای تاج المتکلمین این طور مجلس را افتتاح فرمودند: "بر همه ذوات محترم و علمای معظم، اهل زهد و تقوی، حامل شرع مصطفی، مبرهن و آشکار است که دین مبین اسلام امروز روز قوی ترین و عظیم ترین ادیان به شمار می آید. از جبال هندوکش گرفته تا اقصی بلاد جابلقا و جابلسا، زنگبار، حبشه، سودان و طرابلس و اندلس که همه از ممالک متمدن و در اقلیم چهارم واقع شده اند، سی صد کرور نفوس."

آقای عندلیب الاسلام فرمودند: "خیلی معذرت می خواهم، اما از روی احصائیه ملی کخ بنده زاده آقای اسکان الشریعه که با وجود صفر سن از جمله علوم معقول و منقول بهره ای کافی و شافی دارد و مدت سه سال از عمرش را در بلاد کفار به سر برده و کتاب «زیده النجاسات» را تألیف نموده، سی صد هزار ملیان نفوس گوینده لا اله الا الله هستند."

آقای سکان الشریعه: صحیح است.

آقای تاج المتکلمین: نعم، مقصود حقیر بی بضاعت هم همین بود، ולא غیر چنان که گفته اند: "الانسان السهو والنسیان. سی صد هزار ملیان، شاید هم بیشتر به دین حنیف اسلام مشرف هستند و از قراری که آقازاده آقای عندلیب الاسلام، آقای سکان الشریعه که چهار سال از عمر شریفش را در بلاد کفار گذرانیده و از علوم معلوم و مجهول بهره ای به سزا دارد و کتاب

«زبدة النجاسات» را تألیف نموده، در بلاد ینگى دنیا از اقلیم سوم، اخیراً به فلسفه اسلام پی برده اند."

آقای سکان الشریعه: بلی، در ینگى دنیا مسکرات را اکیداً ممنوع کرده اند. فلاسفه و حکمای آن جا در اثر مباحثات و مناظرات و مجادلات با این حقیر متحدالرأى شده اند که ختنه را برای صحت فواید بسیار می باشد و طلاق و تعدد زوجات برای امزجه سودا و بلغمی مزایای فراوان دارد و معتقدند که روزه اشتها را صاف می کند. این حقیر هم گویا در تفسیر «مرات الاشتباه» خوانده ام که برای مرض ذوسنطاریا و حرقة الول سخت نافع است.

آقای تاج المتکلمین: پس از این قرار، به تحقیق اهالی ینگى دنیا هم مسلمان شده اند و یا نور حقیقت از وجناتشان تابیدن گرفته است. در این صورت تنها جایی که باقی می ماند همانا خطه یوروپ و فرنگستان می باشد که قلوبشان تاریک تر از حجرالاسود است. از این لحاظ به عقیده ی این ضعیف، لازم بل وظیفه علماء و حافظین اس و اساس شریعت است که عده ای را از میان خودشان برگزیده و به سوی بلاد کفار سوق بدهند تا آن ها را از راه ضلالت به شاهراه حقیقت هدایت بنمایند و ریشه کفر و الحاد را از بیخ و بن برکنند. (کف زدن حضار)

آقای عمود الاسلام: البته فکری بکر است، ولی من معتقدم که اول استخاره بکنیم.

آقای قوت لایموت نماینده محترم اعراب عزیزه فرمودند: "اسم این قافله را «الجهاد الاسلامیه» بگذاریم، مردهای کفار را از جلو شمشیر بگذرانیم، زن ها و شترهایشان را مابین مسلمین قسمت بکنیم."

شیخ ابوالمندرس نماینده مسقط همین طور که پیراهنش را می جست، گفت:
 "اهلا و سهلا مرحبا."

آقای توبانانا نماینده محترم زنگبار لخت و عور بلند شد، به نیزه اش تکیه کرد و گفت: "لحم ادمی خیلی لذیذ، افرنجی ابیض، من روزی دو تا آدم بخور."

آقای تاج المتکلمین: البته، صد البته اگر مسلمان نشوند همه شان را قلع و قمع می کنیم. پس در این صورت مخالفتی با اصل موضوع نیست که جمعی از علماء به عنوان مبلغ به دیار کفار اعزام بشوند؟

آقای عندلیب الاسلام: استغفرالله، هر کس شک بیاورد زن به خانه اش حرام و خونش مباح است. وظیفه ی هر مسلمانی است که کفار را امر به معروف و نهی از منکر بکند، ولی به زعم حقیر اهم و اقدم از همه وجوهات و مخارجات این جمعیت است که باید دانست از چه محل تأمین خواهد شد.

آقای تاج المتکلمین: بر ذوات محترم و علمای معظم واضح و لائح بل اظهر من الشمس است که در بادی امر مخارج هنگفتی متوجه این جمعیت خواهد شد که از موقوفات پیش بینی شده، علاوه برین، ملل اسلامی هر کدام به قدر وسع خودشان از کمک و مساعدت دریغ نخواهند فرمود. ولی تصور می رود که بعدها بتوانیم عوایدی بر کفار تحمیل بکنیم.

ابوعبید عصص بن الناسور نماینده صحرای برهوت فرمودند: "جوهری به عنوان خراج و جزیه به کفار تعلق می گیرد."

آقای سنت الاقطاب گفتند: "در این صورت خدا دنیا را محض خاطر پنج تن آفریده و از پنج انگشت هر کسی یک تعلق به سادات دارد و من که از ترکه و سلاله ساداتم پس خمسش به من می رسد."

آقای عندلیب الاسلام: از قراری که بنده زاده آقای سکان الشریعه که با وجود صغر سن از علوم منقول و معقول بهره ای کافی و شافی دارد و مدت پنج سال از عمرش را در بلاد کفار به سر برده و کتاب «زبدۃ النجاسات» را که اساس شریعت اسلام است تألیف کرده، می گفت در ینگی دنیا از اقلیم هفتم خیلی پول به هم می رسد.

آقای سکان اشریعه: در ینگی دنیا که از اقلیم دوازدهم است مردمان پولدار زیاد دارد و هر کدام از آن ها مسلمان بشوند البته واجب الحج خواهند بود. از این قرار می شود دسته ای قطاع الطريق سر راه مکه بگمارند تا آن ها را لخت بکنند و در ضمن مأمورینی در تن آن ها شپش ببندازند تا در روز عید اضحی به خون بهای هر شپشی که بکشند یک گوسفند در راه خدا قربانی بکنند. البته احوط است که دو گوسفند بکشند، چون هر چه باشد جدیدالاسلام هستند و اقوام آن ها خاج پرست بوده اند. آن هایی که اسلام را نپذیرند باید خراج و جزیه به بیت المال مسلمین بپردازند و گرنه مالشان حلال، زن به خانه شان حرام و مهدور الدم هستند. (کف زدن حضار)

قوت لایموت: اگر به جای پول، سوسمار و موش صحرایی هم بدهند قبول می کنیم.

آقای تاج المتکلمین: البته. پس در این صورت مخالفتی نیست که مخارج این جمعیت از محل موقوفات تأمین بشود. اما باید دانست: آیا در بلاد کفار محل و موضع مخصوصی برای این جمعیت تخصیص داده شده که از پول حلال به دست آمده و در ضمن ملک غصبی نباشد؟

آقای عندلیب الاسلام: این فقیر از دیر زمانی است که مترصد و مشغول تتبع و تفحص و تجسس و تحقیقات هستم. مخصوصاً بنده زاده آقای سکان الشریعه

که از علوم منقول و معقول بهره ای کافی دارد و کتابی در آداب مبال رفتن و طهارت موسوم به «زبدة النجاسات» که اساس شریعت اسلام است تألیف کرده و شش سال از عمر شریفش را در بلاد کفار گذرانیده گفت که در شهر البرس...

آقای سکان الشریعه: بلی در شهر الباریس از بلاد افرنجیه محلی است که به آل ضیاء (Alesia) شهرت دارد و گویا این ضیاء نوه عمه مسلم بن عقیل بوده که یکی از کفار موسوم به سنان ابن انس وی را دنبال و شترش را از عقب پی کرده و آن معصوم به بلاد افرنجیه گریخته و ظن قوی می رود که آن محل به نام آن بزرگوار معروف شده باشد. حقیر هم در کتاب «اختناق الشهداء» به این مطلب برخورده ام. البته باید اقدام مجدانه بشود تا مزار آن جنت مکان خلد اشیان را از چنگ کفار به در آوریم و مقر این جمعیت به نمایم که خیلی مناسب است.

شیخ خرطوم الخاف نماینده وهابی ها فرمودند: "من مخالف ساختمان هستم. چون اجداد ما زیر چادر با سوسمار و شیر شتر زندگی می کرده اند، همه مسلمین باید همین کار را بکنند."

آقای عندلیب الاسلام: چنان که در حدیث آمده «التقیة دینی و دین ابائی»، پس در ابتدا تقیه باید کرد تا بتوانیم بر کفار مسلط بشویم.

آقای سنت الاقطاب: در این صورت رقص هم به مذاق آیه شریفه «کونوا قررة خاسنین» جایز است. چه حقه تعالی خود می فرماید که قر بدهید که خاصیت دارد. وانگهی از کوری چشم کفار، اسلام مذهب متجددی است. مگر خود حضرت در ۱۳۰۰ سال پیش دور سنگ حجرالاسود رقص فکس تروت نکرد. چنان که حالا هم حاجی ها هر وله می کنند."

آقای عندلیب الاسلام: البته این ها بسته به پیش آمد است، تا جمعیت بعثة الاسلامیه چه صلاح بداند. عجالتاً این مذاکرات بی مورد است، خوبست آقای تاج مرامنامه این جمعیت را قرائت بفرمایند.

آقای تاج المتکلمین: بر ذوات محترم و علمای معظم و بر همه ی مردمان دنیا از چین و ماچین و بلاد یاجوج و ماجوج تا جابلقا و جابلسا که بلاد نسناس هاست و همه به زبان فصیح عربی متکلم هستند، مبرهن و آشکار است که کتاب سماوی ما مسلمین شامل همه معلومات دنیوی و اخروی است و هر کلمه آن صدهزار معنی دارد.

آقای سنت الاقطاب: "چنان که اختراع همین هتل مبین ها از برکت هذا کتاب مبین قرآن بوده است.

آقای تاج المتکلمین: نعم، علاوه بر فلسفه جات و موعظه جات و قنذیات و معلومات دیگر، باید دانست که کتاب ما مسلمین دارای تعالیم و قوانین عملی است و باید بدین وسیله برتری آن را به کفار نشان بدهیم.

عندلیب الاسلام: اجازه بدهید توضیح بدهم. مقصود وجوب یک معلم عملی است، به قول فرنگی مآبها "برفسور" تا به تلامذه مسائل فقه و اصول از قبیل: تطهیر، حیض و نقاش، غسل جنایت، شکیات، سهویات، مبطلات، واجبات، مقدمات، مقارنات، استحاضه کثیره و قلیله و متوسطه و مخصوصاً آداب طهارت و عملاً نشان بدهد و به کفار تزریق بکند تا ملکه آنان گردد.

آقای تاج المتکلمین: صحیح است. اما چون شرح اقدامات و عملیات این کاروان خیلی مفصل است و به طول انجامد، لذا به ذکر چند نکته اکتفا می کنم تا آقایان عظام بدانند که وظیفه این جمعیت تا چه حد صعب و طاقت فرساست.

اولاً: اجباری کردن لسان فصیح عربی و صرف و نحو آن، به قدری که کفار قرآن را با تجوید کامل و قواعد فصل و وصل و علامات سجاوندی به زبان عربی تلاوت بکنند. اما اگر معنی آن را نفهمیدند عیبی ندارد. البته بهتر است که نفهمند؛

ثانیاً: خراب کردن همه این ها و عمارات کفار. چون بناهای آن ها بلند و دارای چند طبقه است و دور آن حصار نمی باشد، به طوری که چشم نامحرم از نشیب عورت خواتین را بر فراز به توان دید و این خود کفر و زندقه است. مطابق مذهب اسلام، اطاق ها کوتاه و با گل درست شود البته بهتر است. زیرا این دنیای درون گذرگاه باشد و استحکام و دلبستن را نشاید. البته خراب کردن هرچه تیاتر، موزه، تماشاخانه، کلیسا، مدرسه، و غیره از فرایض این جمعیت شمرده می شود..."

شیخ خرطوم الخائف: احسنت، احسنت.

آقای سکان الشریعه: البته لازم است که مطابق نص صریح باشد و به حکم آیات قرآنی و فریضه سبحانی و سنت نبوی و حدیث مصطفوی عمل نمایند. ولی به زعم حقیر همانا می بایستی یکی از آن ها را به مثابه نمونه نگه داشت تا بر عالمیان پایه ضلالت بنمائیم و در صورت بودجه کافی من حاضرم به عنوان متولی در یکی ازین تماشاخانه ها به نام فلی برژر (Folie Bergere) مشغول تبلیغ و عبادت بشوم.

آقای عندلیب الاسلام: البته، البته چه ازین بهتر.

آقای تاج المتکلمین:

"ثالثاً: از فرایض این جمعیت است ساختن حمام ها و بیت الخلاها بطرز اسلامی و چنان که در کتاب «زبدۃ النجاسات» آمده، البته مستحب است که

نجاست به عین دیده شود و چون کفار فاقد از علم طهارت هستند و نعوذ بالله با کاغذ استنجا می کنند، عقیده مخلص این است که مقداری هم لوله هنگ بفرستیم که در ضمن مصنوع ممالک اسلامی نیز صادر بشود؛

رابعاً: کندن جوی ها در خیابان ها و روان ساختن آب جاری در آن ها تا شارع عام و در دسترس عموم مسلمین بوده باشد و در موقع حاجت دست به آب برسانند؛

خامساً: ترتیب شستشوی اموات و چال کردن آن ها در زمین، طرز سوگواری، خرج دادن، روضه خوانی، بنای مساجد، احداث امامزاده ها، تکیه ها، نذرها، قربانی، حج، زکوت، خمس، و کوچ دادن دسته ای از فقرای سامره به بلاد کفر تا طرز تکدی را به آن ها بیاموزند. چون اسلام مذهب فقر و ذلت است و برای آن دنیاست؛

سادساً: البته برای نماز و بجا آوردن آداب شرع مبین، کفش و موزه و لباس تنگ مکروه است. چون مسلمان باید لباسی داشته باشد که وسایل تطهیر و عبادت در هر ساعت و به هر حالت برایش آماده باشد، پس بر عموم مسلمانان لازم است که نعلین بپوشند و آستین گشاد داشته باشند. برای مردها زیرشلواری و عبا بهترین لباس است و با فلسفه شریعت تطبیق می کند...

آقای سکان اشریعه: البته مستحب است که عبا بپوشند. این حقیر به یاد دارم که در کتاب «التاریخ العبا و الشولا» تألیف اعجوبه دهر، مقراض النواسیر، خوانده ام که در موقع حمله عرب به بلاد رومیه، اعذاب پوست شتر به خود همی پیچیدندی ولی همین که در انبار غله رومیان وارد شدند، جوال های بسیاری انباشته از کاه و جو در آن جا یافتندی. از فرط گرسنگی، ته کیسه ها را سوراخ کرده از محتوی آن با ذوق و شوق مشغول خوردن

شدندی. همین که به بالا رسیدندی سر آن را سوراخ کرده، سرشان را درآوردندی و از دو طرف دست هایشان را. پس از آن وقت عبا مرسوم شد. شیخ تمساح بن نسناس: چون من کتابی موسوم به «آثار الاسلام فی سواحل الانهار» تألیف می کنم و در آن از مناقب شیر شتر و کباب سوسمار و خرما داد سخنوری خواهم داد، اجازه بدهید این مطلب را در آن جا درج بکنم که سندی بس ممتاز است.

تاج المتکلمین:

و اما تاسعاً: زن های کفار مشکوف العورت در ملا، عام با مردها می رقصند و سحر و ملامسه می کنند. البته آن ها را باید در قید حجاب مستور کرد تا مردها را به تسویلات شیطانی گرفتار نکنند و فساد اخلاق آن ها را از این جا آمده که تعدد زوجات، صیغه، محلل و طلاق بین آن ها مرسوم نیست. چه مردمان آن جا از گرسنگی خرچنگ و غورباغه و خوک می خورند و در موقع ذبح این جانوران بسم الله نمی گویند. پس پایه ضلالت آن ها را از همین جا باید قیاس کرد؛

عاشراً: در بلاد کفار، لهُو و لعب و نقاشی و موسیقی بی اندازه طرف توجه و دارای اهمیت و اعتبار است. البته بر مسلمین واجب است که آلات غنا و موسیقی را شکسته و به جایش وعاظ و روضه خوان و مداح در آن جا بفرستند تا آن ها را به راه راست دلالت کنند. هم چنین هر چه پرده نقاشی است باید سوزانید و مجسمه ها را باید شکست، هم چنان که حضرت ابراهیم با قوم لوط کرد. البته اگر اشیاء نفیس و قیمتی در آن جا به هم برسد، به بیت المال مسلمین تعلق می گیرد. واضح است که چون توجه کفار به دنیا است باید موعظه هایی راجع به آن دنیا، فشار قبر، نکیر و منکر، آتش دوزخ،

مارهای جهنم، روز پنجاه هزار سال، سگ چهار چشم در دوزخ، ظهور حمار دجال، تقدیر و قضا و قدر و فلسفه اسلام بنمائیم. و نیز از فضیلت بهشت و ثواب اخروی لازم است توضیحاتی بدهند و بگویند که در بهشت به مرد مسلمان، حوری و به زن مسلمان، غلمان می دهند. هرگاه ثواب کار باشند در بهشت هفتاد هزار شتر و قصر زمردی می دهند که هفتاد هزار اطاق دارد و فرشته هایی در آنجاست که سرش در مغرب و پایش در مشرق است. به علاوه استعمال کمی تریاک به نظر حقیر برای آن ها مستحب است تا کفار را متوجه عقبی و آخرت بکنند.

آقای سکان الشریعه: به زعم حقیر این توضیحات زیاد است. همین قدر فرمودید کفار را به دین حنیف اسلام دلالت می کنیم، شامل همه این شرایط می شود.

تاج المتکلمین: مقصود حقیر همانا نشان دادن پایه ضلالت خاج پرستان و اشکالاتی است که مبلغین بعثة الاسلامی مواجه آن خواهند شد. مثلاً ممکن است که قومی مسلمان نباشند مانند طایفه یهود. ولی طرز آداب و رسوم مذهبی آن ها به قدری نزدیک و شبیه مسلمانان است که به محض تقبل دین حنیف، حتی ختنه کرده هم هستند و به فشار قبر و نکیر و منکر و همه این فلسفه جات معتقدند. چون از کفار کتاب دار هستند. ولی کفار فرنگستان که به غلط به خاج پرست معروفند، به هیچ چیز اعتقاد ندارند و از کفار حربی می باشند و ما باید از سر نو همه این مطالب را به گوش آن ها بخوانیم و یا نسل شان را براندازیم تا همه دنیا مسلمان و بنده مقرب خدا بشوند.

شیخ تمساح بن نسناس: در صورت مخالفت، گوش و بینی آن ها را می بریم و نخ می کشیم و زن های شان و شتران شان را میان مسلمین قسمت می کنیم.

عندلیب الاسلام: فراموش نشود که برای قدردانی از کفاری که به دین حنیف مشرف می شوند و تشویق آن ها باید تحف و هدایایی از طرف رئیس به آن ها اعطا بشود. مانند: کفن متبرک، مهر نماز، تسبیح، حرز جواد، دعای دفع غریب گز، دعای بیوقتی، طلسم سفید بختی، حلقه یاسین، نعلین و لوله هنگ که در ضمن به درد ادای فرایض و رسوم مذهبی هم می خورد. به خصوص من پیشنهاد می کنم که یک نسخه هم از تألیف بنده زاده حضرت سکان الشریعه که هفت سال از عمر شریفش را ما بین کفار گذرانیده و از علوم معلوم و منقول و معقول بهره ای به سزا دارد، موسوم به «زبدۃ النجاسات» به اشخاص مبرز هدیه شود."

الاولک الجالیزیه: کتابخانه های کفار را آتش بزنیم و عوضش یک نسخه «زبدۃ النجاسات» به آن ها بدهیم که برای شان کافی است و علوم دنیوی و اخروی همه در آنست.

منجیق العلماء: البته، صد البته، کفی به زبدۃ النجاسات. چون خلاصه مرام اسلام همین است که یا مسلمان بشوید یعنی مطابق نص صریح «زبدۃ النجاسات» عمل کنید و گرنه می کشیمتان و یا خراج به بیت المال مسلمین بدهید. البته کفار باید باج سبیل به مسلمین بپردازند. (کف زدن حضار)

تاج المتکلمین: پس از این قرار رأی قطعی و موافقت همگی برین شد که این جمعیت را به کفار سوق بدهیم و هیچ گونه مخالفتی درین باب نیست. اما به زعم حقیر لازمست که به شیوه دین نبی رفتار کنیم، چنان که خود حضرت به ایل و تبار خودش قدر و منزلت گذاشت و نوه های خودش را قبل از ولادت اما کرد و طایفه خود را سادات و احترام آن ها را به همه مسلمانان واجب

دانست، چون مخارج این نهضت از موقوفات است، همه اشخاصی که انتخاب می شوند باید از علماء و سادات باشند.

عندلیب الاسلام: صحیح است. البته کسی برارنده تر، کسی میرزتر از آقای تاج نیست. لذا ایشان را به ریاست این جمعیت انتخاب می کنیم.

سکان الشریعه: این حسن انتخاب را از صمیم قلب به عموم مسلمین و مسلمات تبریک می گوئیم.

سنت الاقطاب: البته به ازین ممکن نمی شد.

تاج المتکلمین: بنده از حسن نیت و مراحم آقایان نمایندگان ملل اسلامی، لسانم الکن و نطقم قاصر است. اما آقای عندلیب الاسلام از اساتده فقها است. البته وجود شریف شان در چنین جهادی از واجبات است. من پیشنهاد می کنم ایشان به سمت نایب رئیس انتخاب شوند و آقازاده ایشان، آقای سکان الشریعه که نه سال از عمر شریفش را در بلاد کفار به سر برده و از معلوم و مجهول بهره ای کافی و شافی دارد، چنان که کتاب نفیس «زبدۃ النجاسات» بهترین معرف ایشان و شاهد مدعایم است، هم چنین به زبان های عربی قطبی، شامی، بربری، الجزایری، فلسطینی، بغدادی و بصره ای و غیزه را مثل عندلیب تکلم می کند، ممکن است بر سر جمعیت ما منت گذاشته به عنوان صندوق دار و مترجم، ما را سرافراز و از راه لطف بپذیرند. یعنی آن هم محض ثواب اخروی، چون این اقدام اجر دنیوی هرگز ندارد.

سکان الشریعه: حقیقتاً بنده نمی دانم به چه زبان ازین حسن ظن آقای تاج تشکر بکنم. البته اگر محض خاطر ایشان و نتایج اخروی این کار نبود، هرگز قبول نمی کردم. (کف زدن ممتد حضار)

عندلیب الاسلام: من از مراحم آقای تاج و همه نمایندگان محترم اسلام که در این جا حضور دارند بسیار شرمنده ام. اما اجازه بدهید، چون یک نفر دلاک جهت ختنه کردن کفار لازم است، آقای سنت الاقطاب که پس خاله این بنده می باشد و اغلب کفار که به دین حنیف مشرف می شوند ایشان ختنه می کنند، علاوه برین چندین بار محلل شده و در معرکه گرفتن و روضه خوانی ید طولائی دارد، حتی عقرب جراره را در کف دستش نگه می دارد و برای فروش دعای نزله و دعای بیوقتی بهتر از او کسی را خدا نیافریده و از آداب دنیوی و اخروی بهره ای کافی دارد، ایشان را به عنوان برفسور فقهیات پیشنهاد می کنم.

تاج المتکلمین: البته، چه ازین بهتر؟ پیداست که ما یک دسته از جان گذشته هستیم که برای خیر عقبی و اجر اخروی سینه سپر کرده و چنین مأموریت پر خطری را به عهده می گیریم. (کف زدن حضار)

پس از آن آقای رئیس صورت مجلسی را که قبلاً نوشته شده بود، از پر شال شان درآوردند و به آقایان نمایندگان ارائه دادند تا امضاء و تصدیق بشود. مفاد آن ازین قرار بود:

"در روز میمون فرخنده فال ۲۵ ماه شوال سال ۱۳۴۶ هجری قمری در شهر مبارک سامره از بلاد عربستان به موجب جلسه مرکب از علماء یگانه و دانشمندان فرزانه و نمایندگان محترم ملل کامله الوداد اسلامی تصمیم گرفتند و تصویب شد که آقایان مفصلة الاسامی ذیل: حضرت آقای تاج المتکلمین به سمت ریاست، آقای عندلیب الاسلام نایب رئیس و منشی مخصوص، آقای سکان الشریعه صندوق دار و مترجم، آقای سنت الاقطاب معلم علمی فقهیات، برای تبلیغ دین مبین به طرف بلاد افرنجیه رهسپار گردند تا کفار را به دین

حنیف اسلام دعوت و تبلیغ بکنند. عجالتاً صد ملیان لیره انگریزیه برای مخرج محل موقوفات پیش بینی شده و تصویب شد که آقایان مفصلة الاسامی فوق هر طور صلاح بدانند به مصرف برسانند."

آقای تاج پیشنهاد کردند که به سلامتی حضار شربت بنوشند، ولی نماینده اعراب عنیزه شیر شتر خواست و هلهله کنان مشک شیر شتر دست به دست و دهن به دهن گشت. سپس هر کدام از نمایندگان محترم ملل اسلامی انگشت خود را در مرکب آلوده پای کاغذ گذاشتند و مجلس به خوبی و خوشی خاتمه یافت.

السامره فی ۲۵ شوال ۱۳۴۶

الرجیس یافت بن اسحق الیسوعی

منبع: انتشارات نسیم سوند- استکهلم، مه ۱۹۹۸- اردیبهشت ۱۳۷۷

بازنویس: داریوش آزادی

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵